

تحلیل فقهی اقتصادی بورس بازی

محمدامین علینقی لنگری*

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۸/۲۲

چکیده

بورس بازی یکی از رفتارهای شایع در بازارهای مالی است. با توجه به گسترش بازارهای سرمایه در ایران و مبتلابه بودن این موضوع برای سرمایه‌گذاران، این مقاله به تحلیل فقهی و اقتصادی بورس بازی بر اساس دو ملاک قیمت عادلانه و عدم ایجاد ضرر می‌پردازد. از این رو، در ابتدا با مرور تعاریف متداول بورس بازی و بررسی انواع بورس بازی در بازارهای کالا، ارز و سهام، مهم‌ترین نظریات بزرگان پیرامون بورس بازی را بیان می‌نماییم. سپس، با توجه به اجماع نظریات بزرگان در مورد برخی از بورس‌بازی‌های حرام، این مصادیق را برشمرده و برای تعیین میزان انطباق سایر انواع بورس بازی با مبانی اسلام، با بررسی آثار بورس بازی در بازارهای کالا، ارز و اوراق سهام (با توجه به «اصل لا ضرر») انواعی از بورس بازی را که معیار قیمت عادلانه را رعایت ننموده‌اند یا موجب ایجاد نابسامانی در بازارها می‌شوند، مخالف با تعالیم شریعت اسلام دانسته‌ایم.

واژگان کلیدی

بورس بازی، بازار سرمایه، قاعده لا ضرر، قیمت عادلانه

مقدمه

بیان مسئله و ضرورت انجام تحقیق

بورس‌بازی^۱ یکی از رفتارهای غالب در بازارهای اقتصادی و مالی جهان سرمایه‌داری است. برخی از صاحب‌نظران بورس‌بازی را عامل رونق بازارهای مالی و اقتصادی، ولی برخی دیگر آن را عامل سقوط بازارها و وقوع بحران‌های مالی و اقتصادی می‌دانند؛ به‌ویژه، پس از وقوع بحران عظیم مالی سال ۲۰۰۷ میلادی مباحث بسیاری پیرامون بورس‌بازی انجام شد. با توجه به اینکه هنوز بازارهای مالی و اقتصادی کشورمان در ابتدای راه قرار دارند و بسیاری در پی رواج بورس‌بازی در این بازارها هستند، تحلیل بورس‌بازی و آثار آن از ابعاد مختلف و بررسی میزان انطباق آن با مبانی اسلام، یکی از مهم‌ترین رسالت‌های دانشمندان مالی اسلامی است.

تاکنون در این زمینه چندین تحقیق انجام شده است، ولی به نظر می‌رسد می‌توان این تحقیقات را ادامه داد و نتایج آن‌ها را تکمیل نمود. برخی از مقالات پیرامون بورس‌بازی عبارت‌اند از:

- «بورس‌بازی از دیدگاه فقه»، تألیف حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین سید حسین میرمعزی؛

- «بورس‌بازی در بازار سهام از دیدگاه اسلام»، تألیف آقای صالح‌آبادی؛

- «بورس‌بازی از دیدگاه فقهی»، تألیف آقای سجاد سیاح؛

- «بورس‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی» (موردپژوهی بورس اوراق بهادار تهران)،

تألیف آقای علی قدرتی.

برخی از پایان‌نامه‌هایی که در مورد بورس‌بازی تألیف شده عبارت‌اند از:

- «بورس‌بازی در بازار آتی‌ها از منظر موازین اسلامی»، تألیف امیر لعل سرابی؛

- «تأثیر بورس‌بازی بر معاملات بازار بورس در فقه امامیه و حقوق ایران با

مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه»، تألیف میثم نظری علوم.

فواید انجام تحقیق

با توجه به اینکه یکی از ملاک‌های فقه اسلام در صحت معاملات، عدم تحمیل ضرر است، با تشخیص انواع مضر معاملات بورس‌بازانه از انواع غیرمضر آن و اعلام آن به

جامعه اسلامی می‌توان از آسیب‌های ناشی از بورس‌بازی‌های مضر جلوگیری نموده و بدین‌سان، به قوام بازارهای مالی کشورهای اسلامی کمک شایانی نمود. بنابراین، نتیجه این تحقیق می‌تواند در تنظیم قوانین نظارت بر بازار و هدایت رفتار معامله‌گران مسلمان و ارتقای فرهنگ اسلامی معاملات در بازارهای مالی کشورهای اسلامی مفید باشد.

هدف تحقیق

۱- تحلیل انواع مختلف بورس‌بازی و فعالیت‌های شبیه به بورس‌بازی و تعیین میزان انطباق یا عدم انطباق هریک از آنها با مبانی اسلام.
۲- ارائه توصیه‌های رفتاری به معامله‌گران و پیشنهاد راهکارهای سیاستی به طراحان و مدیران بازار با توجه به نتایج تحقیق (آثار مثبت یا منفی انواع بورس‌بازی و حرمت آن‌ها).

سؤالات تحقیق

- ۱- بورس‌بازی چیست و چه انواعی دارد؟
- ۲- هرکدام از انواع بورس‌بازی چه آثاری دارد؟
- ۳- حکم شرعی انجام بورس‌بازی بر اساس مبانی اسلامی چیست؟

تعاریف بورس‌بازی

یکی از مهم‌ترین مراحل تحلیل فقهی و اقتصادی بورس‌بازی، ارائه تعریفی جامع و مانع از بورس‌بازی است. تعاریف زیادی از بورس‌بازی مطرح شده که در هرکدام از آن‌ها ویژگی‌هایی برای بورس‌بازی بیان شده است.

بررسی معنای لغوی بورس‌بازی

بورس‌بازی از نظر لغوی به معانی «تأمل، تصور، حدس و گمان، پیش‌بینی قمار و سفته‌بازی» آمده است (صالح‌آبادی، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

برخی از تعاریف اقتصاددانان متداول از بورس‌بازی

- در مدیریت مالی، بورس‌بازی عملیاتی مالی است که در فرایند کسب سود، تضمینی برای حفظ اصل سرمایه نباشد؛ درحالی‌که سرمایه‌گذاران در پی آن هستند که اصل سرمایه خود را در مقابل سودی متعادل حفظ نمایند، ولی بورس‌بازان امنیت اصل سرمایه خود را به امید به دست آوردن بازده‌های زیاد و سریع، به‌خطر می‌اندازند (فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۷۵۸).

- بورس‌بازی فرایند انتخاب سرمایه‌گذاری‌های ریسکی است که به‌منظور کسب سود از پیش‌بینی حرکت قیمت‌ها انجام می‌پذیرد (Financial-Dictionary, 2004).

- بورس‌بازی سرمایه‌گذاری و یا سایر تصمیمات اقتصادی است که موفقیت آن به رویداد یا تغییری وابسته است که وقوع آن حتمی نیست (Real Estate Dictionary).

- بورس‌بازی فعالیتی کوتاه‌مدت است که در آن فرد، ریسکی بیشتر از میانگین را برای به دست آوردن سودی بیشتر از میانگین تحمل می‌کند. بورس‌بازی خریدی است که به‌جای تکیه بر قیمت واقعی کالا، بر اساس قیمت بالقوه آینده کالا انجام می‌شود. براین‌اساس، فرد بورس‌باز بر اساس پیش‌بینی قیمت بازاری احتمالی آینده کالا (نه ارزش حقیقی آن) اقدام به خرید کالا می‌نماید (Wall Street Words, 2003).

- بورس‌بازی به معنای وارد شدن در یک کسب‌وکار است که برای به دست آوردن سود سریع که از نوسانات در قیمت‌ها حاصل می‌گردد، انجام می‌شود. بورس‌بازی در مقابل سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های سازنده قرار دارد که به‌منظور مشارکت در محصول نهایی انجام می‌شود. این اصطلاح گاهی در مورد سرمایه‌گذاری در یک فعالیت پرریسک که با فرصت کسب سود غیرمعمول همراه است، انجام می‌شود؛ ولی بیشتر بورس‌بازی‌ها در واقع همان خرید و فروش کالاها یا سهام یا اوراق قرضه‌ای است که به هدف کسب سود از تغییرات سریع قیمت انجام می‌شود (Livermor, 2003, p.10).

برخی از تعاریف اقتصاددانان مسلمان از بورس‌بازی

- بورس‌بازی فعالیتی اقتصادی است که به هدف دستیابی به سود از طریق پیش‌بینی قیمت کالا، اوراق مالی یا ارز انجام می‌شود. انگیزه اصلی بورس‌بازان از انجام معاملات

و خرید و فروش دارایی‌های گوناگون، تحصیل سود است. بورس‌بازان ممکن است کالا یا اوراق مالی را بخرند که به‌طور حقیقی به آن نیازی ندارند و فقط به این دلیل که پیش‌بینی می‌کنند قیمت آن در آینده افزایش یابد، آن را می‌خرند. همچنین، ممکن است کالا یا دارایی مالی را که به‌واقع به آن نیاز دارند، بفروشند، فقط به این دلیل که قیمت آن در آینده کاهش خواهد یافت (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۵۱).

بورس‌بازی از نظر اصطلاحی به خطر انداختن کالا یا سرمایه در مواجهه با یک عدم اطمینان است که معمولاً تصمیم‌گیری در شرایط حدس و گمان صورت می‌گیرد. در این اصطلاح بورس‌بازی نوعی فعالیت اقتصادی است که به هدف دستیابی به سود از طریق پیش‌بینی تغییرات قیمت سهام انجام می‌شود. انگیزه اصلی بورس‌بازان کسب سود به هر طریق ممکن است. بورس‌بازان تنها در پی کسب سود حاصل از نوسان قیمت‌ها، خرید و فروش چیزهایی که نه می‌توانند آن‌ها را مصرف کنند و نه می‌توانند در تجارت خود از آن‌ها استفاده کنند و برای انجام آن هیچ کاری انجام نداده‌اند و هیچ ارزشی به آن نیفزوده‌اند، است (صالح‌آبادی، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

جمع‌بندی تعاریف و ارائه تعریف بورس‌بازی

جمع‌بندی نویسنده مقاله از تعریف بورس‌بازی این است که بورس‌بازی ترکیب دو معامله معکوس برای کسب سود است. این معامله می‌تواند بیع، اجاره یا سایر معاملات باشد؛ برای مثال، هنگامی که کسی خانه‌ای را اجاره می‌کند و پس از آن همان خانه را به قیمتی بالاتر اجاره می‌دهد، بورس‌بازی در عقد اجاره انجام شده است.

صحت بورس‌بازی وابسته به صحت دو معامله انجام‌شده و سلامت ترکیب آن دو است. در ضمن بورس‌بازی در بازارهای مختلفی انجام می‌پذیرد؛ برای مثال، بورس‌بازی در بازار کالا، ارز، سهام، مشتقات و... که باید تفاوت‌های بورس‌بازی در هر کدام از بازارها را نیز در نظر داشت. با توجه به این تعریف از بورس‌بازی، بدون شک بسیاری از شقوق بورس‌بازی مورد تأیید اسلام است. سعی و تلاش ما آن است که با بررسی شرایط انجام انواع معاملات دوگانه، انواع مختلف بورس‌بازی مورد تأیید شارع مقدس را از سایر انواع بورس‌بازی تمییز دهیم. این کار نیازمند بررسی انواع مختلف معاملات

دوگانه در بازارهای مختلف است. قبل از انجام این کار خلاصه‌ای از نظرهای بزرگان پیرامون بورس‌بازی را مرور می‌نماییم.

خلاصه‌ای از نظرهای اقتصاددانان اسلامی پیرامون بورس‌بازی

نظرهای مختلف پیرامون بورس‌بازی را باید به دو بخش تقسیم نمود: بخش اول، صورت‌هایی از بورس‌بازی است که بیشتر صاحب‌نظران و فقها قائل به حرمت آن هستند و بخش دوم سایر انواع بورس‌بازی است.

الف. بورس‌بازی‌هایی که شامل احتکار، ائتلاف، انتشار اخبار کذب و انجام معاملات صوری است:

برخی از فقها بورس‌بازی‌هایی را که شامل امور زیر باشد، حرام می‌شمرند:

یک. احتکار؛

دو. ائتلاف؛

سه. انتشار اخبار کذب؛

و چهار. انجام معاملات صوری.

با توجه به مباحث زیادی که حول هرکدام از این حالات وجود دارد، ما به این مباحث نمی‌پردازیم و فقط به نقل قولی از حجت‌الاسلام میرمعزی اکتفا می‌نماییم:

«بی‌تردید در اسلام هرگونه فعالیتی که به تغییر مصنوعی قیمت کالا یا هر نوع دارایی بینجامد، ممنوع شده است. در شریعت اسلام قوانینی وجود دارد که از انجام معاملات صوری، احتکار و ائتلاف و انتشار اخبار کذب و مانند آن جلوگیری می‌کند. این قوانین از دیدگاه شیعه در کتاب‌های گوناگون فقهی از جمله «المکاسب المحرمه» و «جواهر الکلام» آمده است. از دیدگاه اهل تسنن نیز نظیر قوانین مزبور در کتاب «فقه الاقتصاد النقدي»^۲ آمده است» (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۵۲)

در مورد صحت بورس‌بازی‌هایی که بدون استفاده از ابزارهای خاص بورس‌بازی و به صورت معمول و متداول با انجام دو عقد مجزا انجام شده باشد نیز اختلاف نظر وجود دارد که به برخی از این نظرها اشاره می‌نماییم.

ب. سایر انواع بورس‌بازی

نظر آیت‌الله شهید صدر دربارهٔ بورس‌بازی

شهید صدر درآمد ناشی از بورس‌بازی را درآمدی نامشروع برمی‌شمرد. استدلال ایشان در نامشروع شمردن درآمد ناشی از بورس‌بازی بر این پایه‌ها استوار است: یک. تنها منشأ درآمد کار و یا کار ذخیره‌شده در سرمایه و ابزار تولید است. دو. دو نوع تجارت وجود دارد که یکی تجارت قانونی به معنای انجام خرید و فروش یک کالا است و دیگری تجارت حقیقی که به معنای خرید یک کالا و نقل و انتقال (انجام خدمت) و فروش آن است. سه. مشروعیت درآمد ناشی از تجارت قانونی به سبب خدمتی است که در تجارت حقیقی نهفته است.

چهار. از آنجاکه سود بورس‌بازی، ناشی از تجارتي است که خدمتی در طی آن ارائه نشده، غیرمشروع است (صدر، ۱۳۷۵، صص ۵۸۸-۶۴۵).

نظر حجت‌الاسلام میرمعزی پیرامون بورس‌بازی

حجت‌الاسلام میرمعزی در مقاله‌ای که به بررسی بورس‌بازی پرداخته‌اند، به نظر شهید صدر اشاره نموده و آن را نقد کرده‌اند و در نهایت، سود ناشی از بورس‌بازی را جز در موارد خاص که پیشتر اشاره شد، به علت اطلاق آیات جواز بیع و... حلال می‌دانند. استدلال ایشان در حلیت سود بورس‌بازی، بر پایهٔ «اصل ثبات مالکیت» است. بر اساس اصل ثبات مالکیت، فردی که مالک مالی باشد، مالک منافع و ازدیاد ارزش مال خود نیز است. براین اساس، فردی که کالایی را به قیمتی می‌خرد و پس از مدتی قیمت بازاری آن کالا بالا می‌رود و فرد نیز کالا را می‌فروشد (چون بورس‌باز مالک آن کالا و ازدیاد قیمت آن نیز است)، سود مشروعی به دست آورده است. سپس، ایشان با اشاره به عموماتی مانند آیهٔ شریفه «... (بقره: ۲۷۵) و یا آیهٔ شریفه »

«... (نساء: ۲۹)، خرید و فروشی را که با انگیزهٔ بورس‌بازی انجام می‌شود نیز شامل این آیات شریفه دانسته و از این رو، آن‌ها را صحیح شمرده و سود ناشی از آن را حلال می‌دانند (میرمعزی، ۱۳۸۲، صص ۵۱-۶۲).

تأمل شهید مطهری (ره) پیرامون اثر کمیابی بر ارزش

شهید مطهری دو عامل را توأمان منشأ ارزش می‌داند:

الف. ارزش هر شیء ناشی از اثری است که بر آن شیء مترتب است؛

ب. ندرت و تحت انحصار بودن شیء.

ایشان تساوی ارزش را با کار مردود دانسته‌اند. به نظر استاد، کار علت و ایجادکننده ارزش است؛ نه اینکه مساوی با ارزش است. ارزش هر شیء ناشی از اثری است که در آینده بر آن شیء مترتب می‌شود، نه علتی که آن را ایجاد کرده است؛ خواه آن علت کار باشد، خواه چیز دیگر. البته اثر داشتن به‌تنهایی علت ارزش نیست، ندرت و تحت انحصار بودن نیز در ارزش مؤثر است. در این میان، کار هم یکی از علل ایجاد ارزش است، نه علت منحصر؛ بنابراین، اصل ارزش ناشی از مفید بودن است که مبدأ و منشأ تقاضاست. ارزش، قیمت، مالیت و بها یا هر اسم دیگری که بگذاریم، نوساناتی پیدا می‌کند و عرضه و تقاضا در مفید بودن تأثیری ندارد، ولی در ارزش و قیمت اثر دارد.

بنابراین، بر اساس نظریه استاد مطهری قیمت نماینده ارزش است و آن هم بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود (مطهری، ۱۳۷۳، صص ۵۹-۱۰۱).

بررسی و نقد نظرهای بیان‌شده پیرامون بورس‌بازی

با دقت در استدلال این صاحب‌نظران می‌توان دریافت که آنان علاوه بر ملاک‌های مشهور فقهی در صحت معاملات و کسب سود، ملاک ارزش و قیمت عادلانه را نیز مدنظر قرار داده‌اند و تفاوت در نظرهای ایشان به تفاوت در عوامل تعیین‌کننده ارزش و قیمت عادلانه بازمی‌گردد.

یک نظر آن است که فقط کار منشأ ارزش است و سایر عوامل غیر از کار در ارزش کالا مؤثر نیستند و به این سبب نباید در قیمت اثرگذار باشد. از این‌رو، در خرید و فروشی که در خلال آن کاری انجام نشود و خدمتی ارائه نگردد، نباید سودی کسب شود؛ زیرا در این حالت قیمت فروش باید مساوی قیمت خرید باشد.

نظر دیگر آن است که هرچند کار می‌تواند ایجاد ارزش نماید، عوامل دیگری نظیر کمیابی و اثرهای شیء نیز می‌تواند در ارزش مؤثر باشند. از این‌رو، اگر کسی بر اساس

قیمت عادلانه کالایی را خریداری نموده و در خلال دوره نگهداری کالا کمیاب شود، یا به هر علت دیگری ارزش آن افزایش یابد، می‌تواند کالا را با قیمت بالاتری بفروشد و سود مشروعی کسب نماید.

در بخش‌های بعدی نظر مؤلف نسبت به مسئله قیمت عادلانه بیان خواهد شد.

روش تحقیق

با توجه به روش‌های تحقیق فقهی (اجتهادی و بررسی نظرهای مجتهدان) روش این تحقیق روش اجتهادی است. در روش اجتهادی، محقق با بررسی منابع اسلامی و اعتبار نصوص و دلالت نصوص بر یک مطلب، تحقیق خود را انجام می‌دهد. در روش بررسی نظرهای مجتهدان، محقق نظر سایر مجتهدان را نسبت به موضوع مورد بررسی، جستجو می‌کند و این نظرها را جمع‌بندی می‌نماید.

مراحل بررسی فقهی موضوع بورس‌بازی

برای به‌دست‌آوردن حکم فقهی بورس‌بازی به‌ترتیب دو مرحله را طی می‌کنیم: یک. ابتدا باید دید که آیا می‌توان در احکام اسلامی مواردی را یافت که موضوع بورس‌بازی به همراه حکم آن مطرح شده باشد یا خیر؟ اگر بتوان در احکام اسلامی موردی را یافت که به موضوع بورس‌بازی اشاره شده و حکم آن نیز بیان شده باشد، به‌نحوی که بتوان به‌دقت علت صدور حکم را به موضوع بورس‌بازی نسبت داد، حکم فقهی بورس‌بازی به دست آمده است.

دو. در صورتی که نتوان در منابع اسلامی موردی را یافت که موضوع بورس‌بازی به همراه حکم آن مطرح شده باشد، باید بتوان با تجزیه دقیق بورس‌بازی و حالات مختلف آن، هر صورت از بورس‌بازی را در ذیل عناوین کلی که حکم آن مشخص است، وارد کرد و در نهایت نیز حکم بورس‌بازی را در حالات و وضعیت‌های مختلف استخراج نمود. براین‌اساس، برای تبیین حکم فقهی بورس‌بازی ابتدا باید تک‌تک اجزای بورس‌بازی (دو قرارداد متوالی) و پس از آن، ترکیب کلی بورس‌بازی و آثار آن را بررسی کرد.

با توجه به آنکه شالوده اصلی بورس‌بازی دو عقد مجزاست که به‌صورت متوالی و معکوس بسته می‌شوند، اولین مرحله تحلیل فقهی بورس‌بازی، بررسی درستی انجام

هریک از معاملات انجام شده در خلال بورس بازی است. شرایط صحت هر یک از معاملات به کاررفته در بورس بازی در متون فقهی به صورت مفصل بحث شده است؛ برای مثال، اگر بورس بازی در خرید و فروش یک کالا انجام شود، برای صحت بورس بازی در وهله اول باید تمامی شرایط صحت عقد بیع اعم از شرایط عوضین، شرایط متعاقدين و... رعایت شود.

در صورتی که اجزای بورس بازی با احکام اولیه اسلامی سازگار بود، باید با بررسی آثار بورس بازی و تبعات حقیقی و واقعی آن در نظام مالی و نظام اقتصادی میزان انطباق بورس بازی با ملاک‌های ثانویه‌ای از قبیل ضرر و حرج، حفظ و مصلحت نظام اسلامی و... بررسی شود و تفاوت میان بورس بازی‌های مفید و مضر و حلال و حرام را (با ارائه ملاک‌هایی مشخص) معین نمود (معصومی‌نیا، ۱۳۸۷، صص ۵۶-۵۷). بررسی مواردی که به نظر می‌رسد موضوع و حکم بورس بازی مستقیماً در آن بیان شده باشد:

در منابع اسلامی هم مواردی وجود دارد که به جواز کسب سود در خلال معاملات دوگانه حکم داده و هم مواردی وجود دارد که به عدم جواز کسب سود در خلال معاملات دوگانه حکم داده است؛ برای مثال، یکی از مواردی که در منابع اسلامی به صراحت از انجام یک معامله به قیمت پایین‌تر و انجام معامله معکوس به قیمت بالاتر منع شده است، اجاره گرفتن خانه و مغازه و سپس، اجاره دادن آن بدون ایجاد تغییر مثبتی در ملک است.

در روایت مشهور به خبر ربیع شامی، این‌گونه تصریح شده است:

«احمد بن محمد از حسن بن محبوب و او از خالد بن جریر و او از ابی ربیع شامی و او از امام صادق (ع) نقل می‌کند که او از حضرت در مورد مردی که زمینی را از دهقانان اجاره کرده و مانند سلاطین آن را با نرخ بیشتر از آنچه از آنان اجاره گرفته، به دیگران اجاره می‌دهد و سود می‌برد، سؤال پرسید. امام در پاسخ او فرمودند، این کار اشکالی ندارد. همانا زمین مانند اجیر و خانه نیست. همانا زیادی اجاره اجیر و خانه حرام است»^۳ (شیخ طوسی، ۱۳۷۵ق، ج ۳، ص ۱۲۹).

ملاحظه

در مورد علت حکم حرمت سود بردن بورس‌بازانه در اجیر و خانه دو احتمال است: یک. فلسفه تحریم کسب سود بورس‌بازانه در اینجا کسب سود بدون جهت یعنی (کسب سود بدون ارائه خدمتی به دیگران) است. دو. خصوصیتی ویژه در خانه و مغازه وجود دارد که خداوند متعال کسب سود بورس‌بازانه را در مورد آنان تحریم فرموده است.

با توجه به اینکه علت حکم مذکور بیان نشده و این حکم فقط در مورد خاصی وضع شده است و در مورد سایر دارایی‌ها مانند زمین زراعی، بدون انجام اقدامی مفید در زمین می‌توان با انجام دو عقد اجاره معکوس سود کسب کرد، نمی‌توان با توجه به این حکم، به حرمت یا حلیت بورس‌بازی حکم داد. علاوه بر آن، روایاتی که انجام معاملات شبه‌بورس‌بازانه در سایر معاملات (مانند بیع) را جایز می‌شمرند نیز وجود دارند.

از این رو، با توجه به اینکه نمی‌توان ادعا کرد به صورت مشخص در منابع اسلامی حکم بورس‌بازی تصریح شده است، برای بررسی حکم بورس‌بازی به سراغ رویکرد دوم می‌رویم و با موشکافی و تحلیل بورس‌بازی از جنبه‌های مختلف، ملاک‌هایی را که می‌توانند در مسیر به دست آوردن حکم بورس‌بازی برای ما راه‌گشا باشند، بررسی می‌نماییم.

بررسی حکم فقهی بورس‌بازی بر اساس رویکرد تحلیل تجزیه و ترکیبی بورس‌بازی

بررسی شرایط صحت عقد بر اساس احکام اولیه در معاملات بورس‌بازانه

همان‌گونه که گفتیم، بورس‌بازی از دو معامله معکوس انجام می‌شود. حال اگر در هر کدام از معاملات دوگانه یکی از شرایط عمومی صحت قراردادها از قبیل شرایط عوضین، شرایط متعاقدین و شرایط صحت عقد وجود نداشته باشد، معامله صحیح نبوده و به تبع، بورس‌بازی نیز صحیح نخواهد بود. با توجه به اینکه شرایط صحت معاملات در کتب فقهی به صورت مفصل بحث شده است و در این زمینه منابعی نیز وجود دارد (رک. نظری علوم، ۱۳۸۸)، در این مقاله برای بررسی صحت بورس‌بازی به

سراغ شروطی می‌رویم که به نظر می‌رسد کمتر مورد بحث و نظر قرار گرفته‌اند. این شرایط عبارت‌اند از: ملاک قیمت عادلانه و عدم وارد آوردن ضرر.

بررسی بورس‌بازی بر اساس ملاک قیمت عادلانه

هرچند بر اساس ظاهر احکام اسلامی ملاک قیمت عادلانه در شرایط صحت معاملات گنجانده نشده است، با توجه به برخی از تعالیم اسلام به نظر می‌رسد رعایت ملاک قیمت عادلانه یکی از اصول اخلاق اقتصادی اسلام است که باید رعایت شود. در این خصوص، روایات و آیاتی نیز وجود دارد و ما در این مجال صرفاً به بیان حدیثی از رسول گرامی اسلام (ص) بسنده می‌نماییم.

«محمد بن علی بن حسین (ع) فرمودند که پیامبر خدا (ص) فرمودند که هر تاجری فاجر است و هر فاجری در آتش است مگر تاجری که حق را بگیرد [و بیشتر از حشش از مشتری دریافت نکند] و حق را بدهد [و در هنگام خرید اجناس نیز حق طرف مقابل را بدهد]»^۴ (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۸۴).

ملاک عادلانه بودن قیمت

باید گفت با توجه به اینکه عوامل زیادی در ارزش یک کالا یا خدمت اثرگذارند و نمی‌توان همه این عوامل را به‌دقت اندازه‌گیری نمود، تعیین قیمت، یک مسئله ذهنی و تقریبی است. البته باید سعی نمود همه عوامل مؤثر در ارزش را در قیمت منعکس نمود. با این تفسیر هر فردی درکی از ارزش یک کالا دارد و متناسب با درک خود، قیمتی را بر روی آن می‌گذارد. درک افراد کارشناس نسبت به ارزش یک کالا و قیمتی که آنان بر روی آن می‌گذارند، موجه و قابل اتکاست، ولی درک افراد ناآگاه نسبت به ارزش یک کالا و قیمتی که بر روی آن می‌گذارند، قابلیت اتکا ندارد؛ از این رو، می‌توان گفت قیمت عادلانه قیمتی است که متناسب با فهم افراد کارشناس از ارزش یک کالا تعیین شده باشد. براین اساس، برای رعایت ملاک قیمت عادلانه در معاملات باید از فهم عرف کارشناس (افراد آشنا به همه جوانب اثرگذار بر ارزش کالا) نسبت به ارزش و قیمت کالا تخطی نکرد.

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا می‌توان قیمت بازار را در تمامی شرایط مساوی قیمت عادلانه فرض کرد؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت اگر قیمت شکل گرفته در بازار مطابق با فهم عرف خبره از ارزش کالا باشد، عادلانه و در غیر این صورت، غیرعادلانه است. البته باید توجه داشت که یکی از معیارهای عرف کارشناس که در ارزش‌گذاری و تعیین قیمت کالا مؤثر است، میزان کمیابی یا فراوانی کالا است، ولی عرف کارشناس میان کمبودهای مقطعی و بلندمدت تفاوت قائل است و سایر عوامل را نیز در نظر می‌گیرد. حال اگر میزان افزایش یا کاهش قیمت که به علت نوسانات عرضه و تقاضا ایجاد شده است، به اندازه‌ای باشد که عرف کارشناس این میزان تغییر قیمت را عادلانه نداند، نمی‌توان قیمت بازار را عادلانه دانست. در این شرایط معامله‌گران پایبند به اخلاق اقتصادی اسلام باید بر اساس درک عرف کارشناسی از ارزش و قیمت کالا، معامله نمایند. البته تخطی از معیار قیمت عادلانه در صورتی که شرایط صحت عقد را خدشه‌دار نکند، موجب بطلان معامله نخواهد گردید، ولی با توجه به دستورات اسلام، یک معامله‌گر مسلمان نباید از معیار قیمت عادلانه تخطی نماید.

با توجه به تفاوت‌های موجود در بازارهای مختلف، به یاری حق برخی از شرایط و معیارهای قیمت عادلانه را در هر یک از این بازارها جداگانه بررسی خواهیم نمود.

بررسی آثار بورس‌بازی و جواز یا عدم جواز آن طبق ملاک اصل لاضرر

یکی از قواعد فقهی بسیار کاربردی در بخش معاملات، قاعده لاضرر است. مرحوم آخوند خراسانی (در کفایة الاصول، مقدمه چهارم از مقدمات انسداد) چهار نظر را پیرامون مفهوم قاعده لاضرر ذکر می‌کنند که این چهار نظر به این قرارند:

یک. حمل نفی بر نهی؛

دو. نفی ضرر غیرمتدارک؛

سه. نفی حکم ضرری؛

چهار. نفی حکم به زبان نفی موضوع.

به عقیده طرفداران نظر (حمل نفی بر نهی)، مدلول حدیث لاضرر^۹ حکم تکلیفی است، نه وضعی؛ یعنی مدلول آن عبارت از این است که ضرر زدن افراد به یکدیگر از نظر شرع اسلام، حرام است.

طرفداران نظر (نفی ضرر غیرمتدارک) می‌گویند که در این ترکیب، نفی به حال خودش باقی است. اینکه شارع می‌گوید: «لاضرر و لااضرار» به این معناست که ضرر و ضرار در شرع اسلام تجویز نشده، اما نه فقط به این معنی که حرام است، بلکه به این معنی که ضرر غیرمتدارک یا ضرری که جبران نشده باشد، در اسلام تجویز نگردیده است. براین اساس، اگر کسی به دیگری خسارت وارد آورد، بر اساس قاعده لاضرر موظف است که ضرر واردآمده را جبران نماید.

بر طبق نظر «نفی حکم ضرری» مفاد حدیث لاضرر این است که از طرف شارع اسلام، هیچ حکم ضرری وضع نگردیده است؛ خواه ضرر از خود حکم ناشی شود، مثل لزوم عقد یا سایر احکام وضعیه که باعث ضرری بر فردی گردد، و خواه ضرر به اعتبار متعلق به حکم باشد، مثل وضو یا حج یا دیگر احکام تکلیفی.

بر اساس نظر «نفی حکم به زبان نفی موضوع» برای رفع این اشکال که در عالم واقع در اسلام ضرر وجود دارد؛ مثلاً معاملات ضرری و... کلمه‌ای را در تقدیر نمی‌گیرند؛ زیرا تقدیر یک کلمه در بیان حدیث مجاز است بلکه نفی ضرر را متوجه نفی موضوع ضرر در اسلام می‌داند و در اینجا این نفی موضوع را مفید نفی حکم می‌داند؛ برای مثال، یک پدر برای تحریم دروغ می‌تواند به دو صورت جمله خود را بیان کند:

یک. فرزندان من نباید دروغ بگویند.

دو. در خانه ما دروغ گفتن نیست.

معنای جمله دوم این است که اصلاً موضوعی به نام دروغ در خانه ما وجود ندارد و اگر کسی در خانه ما دروغ بگوید، او جزء خانه ما نیست. این جمله در واقع، دروغ را تحریم نموده و در اینجا نفی حکم به زبان نفی موضوع انجام شده است. پس اگر گفته شده «لاضرر فی الاسلام»، یعنی موضوع ضرری در اسلام وجود ندارد و در اسلام ضرر تشریح نشده و هرچا ضرری دیدیم، آن ضرر خارج از اسلام است (آخوند خراسانی، ۱۳۷۸).

با توجه به مفاهیم ذکرشده برای قاعده فقهی لاضرر به‌ویژه دو مفهوم اخیر، می‌توان گفت اگر بورس‌بازی ویژگی‌هایی داشته باشد که به‌صورت اجتناب‌ناپذیری موجب ایراد ضرر بر افراد یا بر کل اجتماع گردد، بنا بر اصل لاضرر نمی‌توان آن را

جائز دانست، ولی اگر ضررهای بورس‌بازی ناشی از ویژگی‌های ذاتی آن نباشد بلکه اموری حاشیه‌ای در کنار بورس‌بازی باعث ایراد ضرر به افراد یا اجتماع گردد، در این صورت، نمی‌توان بر اساس اصل لاضرر خود بورس‌بازی را مخالف شرع دانست بلکه باید این امور حاشیه‌ای را که باعث ایراد ضرر شده‌اند، خلاف شارع مقدس دانست. با توجه به اینکه بورس‌بازی در بازارهای گوناگونی انجام می‌شود و در هر بازاری به اشکال مختلفی قابل اجراست و این اشکال آثار متفاوتی دارند، نمی‌توان برای انجام عملیات بورس‌بازی در هر شرایطی، حکم واحدی را بیان نمود. تحلیل دقیق بورس‌بازی نیازمند تحلیل شرایط حاکم بر هر بازار و آثار آن در آن شرایط است. به این منظور ابتدا ویژگی‌های هر یک از بازارهای کالا، سهام و ارز و سپس، بورس‌بازی در آن‌ها را بررسی می‌نماییم و با توجه به آثار بورس‌بازی در آن‌ها به تمییز انواع بورس‌بازی‌های مضر و مفید می‌پردازیم.

بازار کالا

در اقتصاد، خود کالا مطلوبیت ذاتی دارد و حفظ سطح عرضه کالاهای مورد نیاز در تمامی اوقات برای برآوردن نیازهای جامعه لازم است. هر نظام اقتصادی برای بقای خود باید بتواند نظم فراگیری را در بازار کالا برقرار سازد. از این رو، در نظام اقتصادی اسلام احکام فقهی و قواعد خاصی بر معاملات کالاها (به‌ویژه کالاهای ضروری) حاکم است تا افراد جامعه اسلامی در استفاده از کالاها در مضیقه قرار نگیرند؛ برای مثال، حکم احتکار یکی از احکام ویژه بازار کالاهای ضروری است. در بازار کالاها افراد زیادی به انجام معاملات دوگانه (معاملات شبیه به بورس‌بازی) مبادرت می‌ورزند. در همه این معاملات فرد کالایی را با قیمتی پایین‌تر می‌خرد و با قیمتی بالاتر می‌فروشد. انواع حالت‌هایی که کالایی به قیمت پایین‌تر خریداری می‌شود و به قیمتی بالاتر فروخته می‌شود، از قرار ذیل است:

یک. خرید کالا به قیمت پایین‌تر از قیمت عادلانه و فروش به قیمت عادلانه؛

دو. خرید کالا به قیمت عادلانه و فروش به قیمتی بیشتر از قیمت عادلانه؛

سه. خرید کالا به قیمتی پایین‌تر از قیمت عادلانه و فروش آن به قیمتی بیش از

قیمت عادلانه؛

چهار. خرید کالا و انجام خدمتی در حین آن و فروش آن به قیمتی بالاتر و متناسب با انجام خدمت انجام شده؛
پنج. خرید کالا به قیمت عادلانه و بالا رفتن ارزش ذاتی کالا به علل مختلف و فروش آن به قیمت عادلانه و کسب سود.

در حالت اول، دوم و سوم ارزش کالا ثابت است و کسب سود به دلیل شگردهای مبادله‌ای و تخطی از معیار قیمت عادلانه است، ولی در حالت چهارم و پنجم ارزش ذاتی کالا بالا می‌رود که این بالا رفتن در حالت چهارم به دلیل ضمیمه کردن خدمتی به کالا است و در حالت پنجم به علت بالا رفتن خود به خود ارزش کالا است. اگر ملاک قیمت عادلانه در مبادلات را یکی از موازین اخلاق اقتصادی اسلام بدانیم، نمی‌توانیم سود ناشی از خرید و فروش به قیمت ناعادلانه را بپذیریم. بنابراین، طبق اصل لزوم رعایت قیمت عادلانه در معاملات، سود بورس‌بازی فقط در موارد چهارم و پنجم پذیرفته است (باید توجه داشت که لزوماً ناعادلانه بودن یک معامله نمی‌تواند باعث بطلان فقهی آن معامله شود).

انواع خدمات قابل ارائه در خلال انجام معاملات دوگانه در بازار کالا

انواع خدمات مختلفی که ممکن است در حین خرید کالا به قیمتی پایین‌تر و فروش آن به قیمتی بالاتر ارائه شود، از قرار ذیل است:

یک. تجارت

تجارت همان خرید یک کالا در یک منطقه و فروش آن در منطقه‌ای دیگر است. تاجر کالا را در یک مکان (که کالا در آن زیاد است) با قیمت کمتر می‌خرد و آن را در مکانی دیگر (که کالا در آنجا کمیاب است) با قیمتی بیشتر می‌فروشد و در خلال این خرید و فروش، سودی کسب می‌نماید.

با توجه به اصل لزوم رعایت عدالت در معاملات، سود تاجر باید منصفانه باشد (یعنی با فرض ثبات سایر شرایط، تاجر باید در حد همان خدمتی که ارائه کرده است، قیمت فروش را بالاتر برد). تجارت در واقع، انجام توزیع مکانی کالا است که نوعی خدمت محسوب می‌شود.

دو. واسطه خرید و فروش

واسطه‌گر کالا را از کسی که می‌خواهد آن را بفروشد (و در آن هنگام، خریداری برای کالای خود پیدا نمی‌کند)، با قیمت پایین‌تر می‌خرد و به کسی که می‌خواهد آن را بخرد (و در آن هنگام، فروشنده‌ای برای کالای خود پیدا نمی‌کند) با قیمت بالاتری می‌فروشد. در خلال این خرید و فروش، واسطه‌گر نقدینگی لازم را برای بازار فراهم می‌آورد و سودی نیز نصیبش می‌گردد. در این حالت، بورس‌باز در واقع، کالا را در طول زمان توزیع می‌کند که این اقدام نوعی خدمت است. در این حالت نیز سود واسطه‌گر باید منصفانه باشد (یعنی واسطه‌گر با فرض ثبات سایر شرایط به میزان خدمتی که ارائه کرده است، باید روی قیمت بکشد).

سه. خرید کالا در هنگام وفور و فروش آن به هنگام کمبود

در این حالت که نوعی خاص از حالت قبلی است، معامله‌گران واسطه‌ای برای عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان نهایی کالا می‌باشند. آنان در هنگامی که بازار به بخشی از کالاها (به‌دلیل وفور بیش از حد آن) نیازی ندارد، کالا را با قیمتی پایین‌تر می‌خرند و هنگامی که بازار به‌علت کمبود به کالا نیاز پیدا می‌کند، کالا را با قیمتی بالاتر به بازار عرضه می‌نمایند و در این خرید و فروش سود می‌برند. این اقدام نیز نوعی توزیع زمانی کالا است. در این حالت نیز باید سود واسطه‌گر منصفانه باشد (یعنی قیمت خرید و قیمت فروش مطابق با قیمت عادلانه باشد و افزایش قیمت فروش در حد همان خدمتی باشد که فرد ارائه نموده است)؛ خدمتی که بورس‌بازان انجام می‌دهند شبیه به این حالت است.

چهار. خرید کالا، ارتقاء و فروش آن به قیمت بالاتر

گاهی اوقات در طول زمان ارزش کالا بالا می‌رود. در این موارد نیز اگر سود ناشی از فروش کالا متناسب با میزان افزایش ارزش کالا باشد، این سود قابل قبول است؛ زیرا ثبات مالکیت اقتضا می‌کند که سود ناشی از بالا رفتن ارزش یک کالا متعلق به صاحب آن باشد.

بررسی آثار بورس‌بازی در بازار کالا

معاملاتی برای افراد و نظام اقتصادی مفید هستند که نخست، خدمتی را به افراد و نظام اقتصادی ارائه می‌نمایند و دوم، سودی که از این خدمت کسب می‌کنند، متناسب با خدمتی باشد که ارائه می‌نمایند. معاملاتی که در ضمن آن خدمتی ارائه نمی‌شود و یا سودی که از آن نصیب معامله‌گر می‌شود، متناسب با خدمتی که ارائه می‌کنند، نیست، می‌تواند موجب ایجاد آسیب و یا ضرر به طرف مقابل معامله و یا کل نظام اقتصادی گردد. معاملات بورس‌بازانه نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. ضرر و زیان احتمالی حاصل از انجام این معاملات را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود:

یک. زیان تحمیل شده حاصل از انجام معامله به طرف مقابل معامله؛

دو. زیان حاصل از انجام معامله برای کل اقتصاد.

اگر خود بورس‌بازی خصوصیتی ویژه داشته باشد که موجب ایجاد اختلال در کلان اقتصاد شود، می‌توان گفت بر اساس قاعده لاضرر بورس‌بازی مورد تأیید شارع نیست، ولی اگر برخی شرایط حاشیه‌ای انجام بورس‌بازی موجب ایراد ضرر در کلان اقتصاد شود، می‌توان این شرایط حاشیه‌ای را مخالف با اقتضائات شریعت دانست. البته از اصل لاضرر نمی‌توان بطلان معامله را اثبات کرد، ولی می‌توان اکراه یا حرمت تکلیفی را نتیجه گرفت.

ما دو ملاک را برای سنجش ضررهای احتمالی بورس‌بازی در بازار کالاها ارائه می‌نماییم:

یک. اختلال در تعادل عرضه و تقاضای بازار؛

دو. اختلال در جریان قیمت‌های عادی بازار و ایجاد تغییرات شدید و غیرعادی در قیمت‌های بازار.

کمبود مقطعی عرضه کالا و افزایش قیمت آن در کوتاه‌مدت به تقاضاکنندگان و مصرف‌کنندگان کالا ضربه وارد می‌سازد و با تفسیری که بیان خواهیم نمود، در بلندمدت به تولیدکنندگان کالا ضربه وارد می‌نماید. افزایش عرضه کالا و پایین آمدن قیمت آن در کوتاه‌مدت به تولیدکنندگان ضربه وارد می‌سازد و با تفسیری که بیان خواهیم نمود، در بلندمدت به تقاضاکنندگان و مصرف‌کنندگان کالا نیز زیان می‌رساند.

بازار کالاها در حالت عادی از عده‌ای تولیدکننده و تعدادی مصرف‌کننده تشکیل شده است. عرضه و تقاضای بلندمدت بازار کالا ناشی از میزان عرضه نهایی و پایدار تولیدکنندگان و تقاضای نهایی و پایدار مصرف‌کنندگان است. این عرضه و تقاضای نهایی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر تعیین قیمت کالا است. تولیدکنندگان کالا بر اساس این قیمت به برنامه‌ریزی برای تولید خود می‌پردازند.

حال در بازار کالا ناگزیر برای انجام خدمات مورد نیازی که به برخی از آنان اشاره نمودیم، معامله‌گران ثانویه‌ای وارد می‌شوند. این معامله‌گران هنگامی که خرید می‌کنند در نقش تقاضاکننده و هنگامی که کالا را می‌فروشند در نقش عرضه‌کننده وارد بازار می‌شوند. حال اگر چنین معامله‌گرانی به قصد انجام خدمات مورد نیاز بازار وارد شده باشند و معاملات آن‌ها در خلال روند عادی بازار انجام شود، این معاملات اختلالی در جریان بلندمدت عرضه و تقاضای بازار و قیمت کالا ایجاد نمی‌کند.

البته در فصولی از سال عرضه و تقاضای مقطعی کالا دستخوش تغییراتی می‌شود و بر اثر این تغییرات قیمت کالا تغییر می‌کند. این تغییر قیمت، زمینه را برای ورود بورس‌بازان فراهم می‌نماید تا در زمان مازاد عرضه و کاهش قیمت‌ها، کالا را بخرند و در هنگام کمبود عرضه و افزایش قیمت‌ها، کالا را بفروشند و از این تفاوت قیمت سود کسب نمایند. همان‌گونه که بیان شد، این کار نوعی خدمت مفید به اقتصاد است، ولی هنگامی که به علت افزایش تقاضا یا کاهش عرضه، قیمت کالا افزایش یابد و بالاتر از ارزش ذاتی آن قرار گیرد، بورس‌بازان وارد بازار می‌شود و بدون توجه به ارزش حقیقی کالا و فقط به امید گران‌تر شدن آن با انجام معاملات بورس‌بازانه و در حجمی بالا، کالایی را در جامعه خریداری و نگهداری نمایند، تقاضا برای آن کالا باز هم افزایش می‌یابد و قیمت باز هم افزایش می‌یابد و این افزایش قیمت، تولیدکنندگان را به برنامه‌ریزی برای تولید بیشتر کالا و عرضه بیشتر وامی‌دارد. در این شرایط بورس‌بازان که خود عامل کم‌شدن و گران‌شدن کالا بوده‌اند، کالا عرضه می‌کنند و سود کلانی را کسب می‌نمایند.

افزایش قیمت‌های باعث می‌شود تولیدکنندگان به برنامه‌ریزی برای افزایش تولید اقدام کنند. در نتیجه پس از افزایش غیرعادی قیمت‌ها که ناشی از تقاضای کاذب بورس‌بازان است، عرضه کالا هم توسط تولیدکنندگان و هم توسط بورس‌بازان بیشتر از

حد معمول آن انجام می‌شود. این افزایش عرضه به‌ناگاه قیمت‌هایی را که بیشتر از معمول بالا رفته بودند، به سقوطی غیرعادی می‌کشاند. روند کاهشی قیمت‌ها بورس‌بازانی را که به ارزش ذاتی کالا توجه ندارند، به فروش کالاهای خریداری‌شده وامی‌دارد. به این سبب روند کاهش قیمت‌ها تشدید می‌شود و قیمت‌ها را از سطح قیمت‌های طبیعی و عادلانه کالا نیز پایین‌تر می‌آورد. به‌علت این افت غیرعادی قیمت‌ها، علاوه بر این بورس‌بازان بسیاری از تولیدکنندگانی که در شرایط کمبود عرضه برنامه‌های افزایش تولید را در پیش گرفته بودند، متضرر می‌شوند یا اینکه ورشکست می‌گردند. ورشکستگی تولیدکنندگان می‌تواند موجب کاهش حجم بلندمدت تولید کالا و کاهش عرضه گردد و باعث افزایش بلندمدت قیمت کالا شود. براین‌اساس، بورس‌بازی که بدون توجه به سطح عرضه و تقاضای بازار و ارزش ذاتی کالا انجام می‌شود، ابتدا موجب کاهش عرضه و افزایش بیش از حد قیمت‌ها و آسیب به مصرف‌کنندگان می‌شود و پس از آن موجب افزایش عرضه و کاهش بیش از حد قیمت‌ها و آسیب به تولیدکنندگان می‌گردد.

البته کار به اینجا ختم نمی‌شود؛ گاهی اوقات در یک بازار تنها یک معامله‌گر بورس‌باز بزرگ اقدام به انجام بورس‌بازی در حجم عظیمی می‌نماید و تغییرات قیمتی بازار را به‌دقت تحت نظر می‌گیرد و آن را کنترل می‌نماید، ولی گاهی اوقات تعداد بورس‌بازان و حجم معاملات آن‌ها به‌گونه‌ای است که هیچ‌کدام نمی‌توانند تحولات قیمت بازار را پیش‌بینی و یا کنترل نمایند. در این حالت، در ضمن جریان صعودی و نزولی قیمت‌ها برخی از بورس‌بازان سود می‌برند و برخی دیگر ضرر می‌نمایند.

از آنجاکه معمولاً بورس‌بازان در حجمی بسیار بالا و زمانی بسیار اندک به انجام بورس‌بازی می‌پردازند، پول لازم برای بورس‌بازی را از نهادهای مالی تأمین می‌نمایند. حال هنگامی که بورس‌بازان در انجام عملیات خود موفق باشند، سود خوبی نصیب نهادهای مالی می‌شود، ولی هنگامی که بورس‌بازان در انجام عملیات بورس‌بازی ناموفق باشند، خودبه‌خود از بازپرداخت منابع عظیم دریافت‌شده ناتوان می‌شوند و در این شرایط، برای عمل به تعهدات مالی خود مجبور می‌شوند با وجود اینکه افزایش عرضه در بازار وجود دارد و قیمت‌ها از سطح معمول آن نیز پایین‌تر آمده است، هرطور که امکان دارد کالاهای خریداری‌شده را بفروشند. این وضعیت بر افزایش بیش از حد

عرضه و کاهش بیش از حد قیمت می‌افزاید. باین‌همه، در شرایط بحرانی، سهم عظیمی از منابع مالی که از نهادهای مالی گرفته شده است، از بین می‌رود و بورس‌بازان از بازپرداخت آن ناتوان می‌شوند. با گسترش زیان‌های حاصل از بورس‌بازی به سایر بورس‌بازان، نهادهای مالی دخیل در تأمین مالی بورس‌بازان نیز متضرر می‌شوند. اگر این ضررها به ورشکستگی تعداد محدودی از بانک‌ها منجر شود، بحران بانکی و بحران مالی کشور را فرامی‌گیرد که نتیجه آن در بلندمدت ایجاد شرایط رکودتورمی است.

بنابراین، اگر بورس‌بازانی که در پی انجام خدمتی نیستند و برای انجام بورس‌بازی صرفاً به نوسانات قیمت و احتمال حرکت آتی قیمت‌ها توجه می‌کنند و ارزش ذاتی و قیمت عرف کارشناسی را در نظر نمی‌گیرند، در یک نظام اقتصادی قابل توجه باشد، در شرایط خاص امکان ایجاد بحران‌های عظیم اقتصادی وجود دارد و با ایجاد این بحران‌ها تا مدت‌ها فعالیت‌های عادی نظام اقتصادی مختل می‌شود.

از این‌رو، بورس‌بازی به صورت نادرست می‌تواند در بازار کالاها اختلال ایجاد نماید و علاوه بر مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان را نیز متضرر سازد. زیان تولیدکنندگان موجب اختلال در جریان اشتغال نیز می‌شود.

شدت اثرهای مخرب معاملات بورس‌بازانه (که خدمتی به جامعه ارائه نمی‌کنند)، به چند عامل بستگی دارد:

یک. میزان نیاز جامعه به کالا و میزان حساسیت یا کشش قیمتی نسبت به تغییرات عرضه و تقاضای کالا؛

دو. میزان فراوانی کالا قبل از بورس‌بازی و میزان ذخایر موجود از کالا؛

سه. حجم بورس‌بازی؛

چهار. شرایط فنی تولید کالا و مدت زمان لازم برای افزایش یا کاهش حجم تولید. براین‌اساس، می‌توان دریافت که انجام بورس‌بازی‌هایی که در پی کسب درآمد بدون انجام خدمتی در نظام اقتصادی هستند و به قیمت عادلانه و عرف کارشناسی نیز توجه ندارند، می‌تواند پیامدهای کلان و سیستمی جبران‌ناپذیری داشته باشد، درحالی‌که انجام خرید و فروش‌های بورس‌بازانه‌ای که با توجه به ارزش ذاتی کالا انجام می‌شود، می‌تواند موجب بهبود شرایط بازار کالا و روانی آن شود.

شاید نتوان نهی وارد شده در اصل لاضرر را ناظر به حرمت وضعی دانست و بر اساس آن مبادلات بورس‌بازانه مضر را باطل اعلام نمود، ولی می‌توان این نهی را ناظر به حرمت تکلیفی دانست و گفت انجام معاملات بورس‌بازانه‌ای که نوعاً موجب بروز زیان و ضرر معتابه می‌شود، حرمت تکلیفی دارد. البته حاکم شرع می‌تواند در شرایط اضطرار بر اساس احکام ثانویه چنین معاملاتی را باطل نماید.

تشخیص اینکه در یک مقطع انجام معاملات دوگانه مورد نیاز جامعه است یا خیر، برای فعالان کارشناس بازار امکان‌پذیر است. بنابراین معامله‌گران پایبند به موازین اسلام باید در صورتی اقدام به انجام معاملات دوگانه نمایند که جامعه به آن نیاز داشته باشد و در صورتی که جامعه به آن نیاز نداشته و انجام معاملات به شرحی که بیان شد، موجب اختلال در بازار شود، از انجام آن خودداری نمایند.

بازار سهام

بازار سهام، در واقع بازار تملک کارخانه‌ها و واحدهای اقتصادی و تجاری کسب‌وکار است. ثمره فعالیت واحدهای تجاری و اقتصادی برای عموم افراد جامعه، ایجاد اشتغال برای افراد و تولید کالاها و خدمات ضروری است، ولی ثمره فعالیت این واحدها برای سهامداران و مالکانشان، ایجاد درآمد و ثروت و ارزش افزوده است. سهامداران علاوه بر ارائه خدمات مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های مربوط، دو خدمت کلیدی دیگر را نیز عرضه می‌کنند:

یک. تأمین مالی واحدهای تولیدی و خدماتی برای راه‌اندازی و گسترش طرح‌های نوین اقتصادی؛

دو. حفظ مالکیت واحدهای اقتصادی و جلوگیری از انحلال آنها.

وظیفه اول سهامداران که انجام تأمین مالی‌های لازم برای به وجود آوردن واحدهای اقتصادی است، در چارچوب بازارهای اولیه سهام انجام می‌پذیرد. در این بازارها، منابع مالی مورد نیاز طرح‌ها، مستقیماً از طریق سرمایه‌گذاران تأمین می‌شود. حال اگر بازار ثانویه سهام نباشد، صاحبان سهام اولیه نمی‌توانند به‌سادگی پول خود را بازپس گیرند و برای بازپس گرفتن پول خود، مجبور هستند که مدت‌های مدیدی به‌دنبال کسانی که مشتاق‌اند سرمایه‌گذاری را ادامه دهند، بگردند یا اینکه واحد

اقتصادی را منحل کنند و از ادامه فعالیت آن جلوگیری نمایند. بنابراین، تشکیل بازارهای ثانویه و وجود افرادی که حاضرند سهام اولیه را با خرید نمایند و در نزد خویش نگهداری کنند، موجب بقای واحدهای تولیدی و خدماتی در نظام اقتصادی می‌گردد و کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه را تأمین می‌نماید.

در صورتی که هیچ‌یک از صاحبان اولیه سهام، قصد فروش سهام خود را نداشته باشند، (تأمین مالی و حفظ مالکیت) تقریباً تمامی نیازهای واحدهای اقتصادی و خدماتی را برآورده می‌سازد، ولی در صورتی که صاحبان سهام اولیه بخواهند سهام خود را بفروشند، لزوماً باید کسانی باشند که این سهام را بخرند؛ در غیر این صورت، صاحبان سهام اولیه برای به دست آوردن پول خود، واحد تجاری را منحل می‌کنند و از ادامه فعالیت آن‌ها جلوگیری می‌نمایند. براین اساس، اقدامات مفید و ضروری دیگری نیز باید در بازار سرمایه انجام شود که از قرار ذیل است:

سه. باز خرید سهام از کسانی که می‌خواهند سهام خود را بفروشند.
چهار. ایجاد واسطه برای خرید و فروش سهام (خرید سهام از کسانی که می‌خواهند سهام را بفروشند و فروش آن به کسانی که می‌خواهند آن را بخرند).
علاوه بر خدماتی که فعالان بازار سرمایه ارائه می‌دهند، بازار سهام باید به گونه‌ای شکل پذیرد که منابع محدود سرمایه‌ای را به ترتیب اولویت به کاراترین طرح‌ها اختصاص دهد و از ادامه فعالیت‌هایی که سود اقتصادی ندارند، جلوگیری نماید.

بازدهی سهامداران چگونه معین می‌شود:

ما بازدهی سهامداران را به دو گروه تقسیم می‌نماییم:

یک. بازدهی حقیقی سهامداران؛

دو. بازدهی اسمی سهامداران.

همان‌گونه که می‌دانیم، صاحبان سهام، صاحبان اصلی شرکت‌های تولیدی یا خدماتی هستند. بازدهی واقعی یک سهامدار حاصل افزایش ارزش حقیقی شرکت و سود حاصل از عملیات شرکت در دوره نگهداری سهام است.

بازدهی اسمی سهامداران حاصل از مجموع سود دریافتی آن‌ها و تفاوت قیمت خرید و فروش سهام است.

در صورتی که قیمت خرید و فروش سهام بر اساس قیمت عادلانه و حقیقی آن انجام شده باشد، بازدهی اسمی سهامداران، با بازدهی حقیقی آن‌ها که حقتشان بوده است، متناسب خواهد بود، ولی در صورتی که قیمت خرید سهام و یا قیمت فروش سهام مطابق با قیمت واقعی و عادلانه نباشد، بازدهی اسمی که در اختیار سهامداران قرار می‌گیرد، مطابق با بازدهی واقعی آن‌ها نخواهد بود و زیانی متوجه آن‌ها می‌گردد.

خدمات ارائه شده در حین خرید سهام و فروش آن

یک. نگهداری سهام در فاصله میان خرید و فروش (تداوم تأمین مالی و جلوگیری از انحلال شرکت).

دو. ایجاد نقدشوندگی لازم برای کسانی که می‌خواهند سهام خود را بفروشند و به پول نقد دست یابند.

سه. ایجاد واسطه برای خرید و فروش سهام (خرید سهام از کسانی که می‌خواهند سهام را بفروشند و فروش آن به کسانی که می‌خواهند آن را بخرند).

چهار. خرید سهام در هنگام افزایش عرضه و کمتر شدن قیمت بازار از ارزش ذاتی سهم و فروش سهم در هنگام افزایش تقاضا و بیشتر شدن قیمت بازار از ارزش ذاتی سهم و جلوگیری از نوسانات قیمت سهم.

پاداش خدمتی که از واسطه‌گری خرید و فروش و به وجود آوردن امکان نقدشوندگی سهام ایجاد می‌شود، نوعی کارمزد محسوب می‌شود که این کارمزد شبیه به کارمزد واسطه‌گری کالاهاست.

ولی در رابطه با نوع و میزان خدمتی که از نگهداری سهم ارائه می‌شود و پاداشی که باید در مقابل این خدمت به سهامدار ارائه شود، دو نظر متفاوت وجود دارد: یک. نگهدارنده سهام به سبب تحمل گذشت زمان و صرف نظر از امکان مصرف فعلی لایق رسیدن به پاداش است.

دو. نگهدارنده سهام به سبب سهمی که سرمایه او در خلق ارزش افزوده اقتصادی دارد، لایق رسیدن به پاداش است.

نگاه اول بیشتر با فرهنگ اقتصادی ربوی متناسب است. طراحی اوراق قرضه ربوی بر اساس همین منطق انجام می‌شود. در این دیدگاه هرکس که پولی را در اختیار

دیگری قرار بدهد، چه این پول زاینده داشته و چه نداشته باشد، باید بهره‌ای ببرد که این بهره پاداش صرف‌نظر از مصرف امروز فرد است. همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید، این تعریف صرفاً از نگاه مصرف‌کننده به پاداش ناشی از نگهداری و حفظ مالکیت بنگاه اقتصادی می‌نگرد و به بازدهی حقیقی اقتصادی بنگاه توجهی ندارد.

دیدگاه دوم بیشتر با فرهنگ اقتصادی غیربوی متناسب است. طراحی اوراق سهام و سود ناشی از نگهداری این اوراق بر اساس این دیدگاه انجام می‌شود. براین اساس، سود حاصل از نگهداری هر سهم ناشی از ارزش افزوده اقتصادی و درآمد واقعی فعلی بنگاه اقتصادی در طول دوره نگهداری و پیش‌بینی ارزش افزوده اقتصادی سهم در آینده و درآمدهای آتی احتمالی آن است.

حال اگر کسانی که ضمن خرید و فروش سهم خدماتی ارائه می‌دهند، متناسب با این خدمات قیمت فروش را بالاتر برند، نمی‌توان دریافت این سود را ناعادلانه دانست.

بررسی آثار بورس‌بازی در بازار سهام

یک تفاوت اساسی میان قیمت سهام و قیمت سایر کالاها وجود دارد. از آنجاکه خود کالا و مصرف آن مطلوب جامعه است، تحت تأثیر قرار گرفتن قیمت کالا از نوسانات عرضه و تقاضا را می‌توان تا حدی مطلوب شمرد؛ زیرا قیمت، علامتی برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است تا عرضه و تقاضای خود را طبق آن تنظیم نمایند. ولی از آنجاکه سهام دارایی است که خودش مطلوبیت ذاتی ندارد و ارزش آن تحت تأثیر قدرت سودآوری و دارایی‌های پشتوانه آن است، تحت تأثیر قرار گرفتن قیمت سهام به‌علت نوسانات عرضه و تقاضای بازاری خود سهم، توجیهی ندارد.

از آنجاکه سهام یک دارایی سودآور و درآمدزاست، ارزش واقعی سهم تحت تأثیر سودآوری سهم است و هرگونه تغییر در سودآوری شرکت موجب تغییر قیمت سهام خواهد شد. از این رو، اخباری که اطلاعاتی پیرامون میزان سودآوری یک شرکت تولیدی در بر دارند، موجب نوسان قیمت سهام می‌شوند. بنابراین، مهم‌ترین عامل نوسان قیمت سهام را باید اطلاعات منتشرشده درباره قدرت سودآوری حال و آینده شرکت و یا ارزش دارایی‌های آن دانست. حال اگر میزان نوسان قیمت سهام متناسب با اطلاعات جدید منتشرشده باشد، مشکلی پیش نمی‌آید، ولی هنگامی که میزان نوسانات قیمت

سهام از قیمت حقیقی و عادلانه آن بالاتر و یا پایین‌تر رود، زبانی را بر سرمایه‌گذاران اولیه و یا ثانویه سهام تحمیل می‌نماید.

یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد نوساناتی فراتر از نوسانات بایسته سهام، بورس‌بازانی هستند که بدون توجه به ارزش واقعی دارایی‌های مالی، هنگامی که احساس می‌کنند قیمت سهامی خاص بالا خواهد رفت، یا اینکه پایین خواهد آمد، به بازار مراجعه می‌کنند و قیمت سهم را بالاتر و یا پایین‌تر از حد معمول می‌برند. البته خرید سهام هنگامی که قیمت بازار زیر ارزش ذاتی سهم است، یا فروش آن هنگامی که قیمت بازار بالاتر از ارزش ذاتی سهم است، اقدامی مفید است، ولی انجام عملیات معکوس نوسانات بازار سهام را تشدید می‌کند و موجب بروز ضرر خواهد گردید. سهامی که به سبب تقاضای بیش از حد گران‌تر از ارزش واقعی خریداری شده، پس از مدتی به ارزش حقیقی‌اش بازگشته و سرمایه‌گذارانی را که در قیمت بالاتر آن را خریداری نموده‌اند، متضرر می‌گرداند. همین‌طور سهامی که به علت افزایش عرضه بورس‌بازان در قیمتی پایین‌تر از ارزش حقیقی (قیمت عادلانه) فروخته می‌شود، موجب آن می‌شود که بازده اسمی سهامداری که قصد فروش سهام خود و خروج از بازار را دارد، کمتر از بازده واقعی‌اش تعیین شود. از این‌رو، به سبب عملیات چنین بورس‌بازانی و فاصله گرفتن قیمت‌های سهام از قیمت‌های عادلانه، سرمایه‌گذاران واقعی نمی‌توانند با خیال راحت هر سهامی را خریداری کنند و نگهداری نمایند، یا اینکه هر زمان که بخواهند دارایی خود را نقد کنند و از بازار خارج شوند.

از این‌رو، زبانی که بورس‌بازان بدون توجه به ارزش ذاتی سهام به بازار سهام و نظام اقتصادی وارد می‌کنند، صرفاً به زبانی که به خود یا طرف مقابل معاملاتشان تحمیل می‌شود، منحصر نمی‌گردد بلکه به سبب نوسان بیش از حد قیمت‌ها از قیمت عادلانه سهام و بالا رفتن ریسک سرمایه‌گذاران، بسیاری از مردم عادی از سرمایه‌گذاری در بازار سهام رویگردان می‌گردند و شرکت‌های تولیدی و خدماتی نیز برای جذب سرمایه و شروع یا گسترش فعالیت‌هایشان دچار مشکل می‌شوند.

علاوه بر این، هنگامی که چنین بورس‌بازانی برای تأمین منابع مالی خود از نهادهای مالی وام گرفته باشند و به علت افت شدید قیمت‌های سهام قادر به بازگرداندن

منابع مالی نهادهای مالی نباشند، ممکن است نهادهای مالی را در معرض ورشکستگی قرار دهد و در صورت وخامت اوضاع کار به هراس بانکی و بحران مالی کشیده شود. نوسانات غیرعادی قیمت سهام نتیجه بی‌توجهی مبادله‌کنندگان به ارزش حقیقی سهام است و با توجه به مطالبی که عرض شد، می‌توان گفت در شرایط عادی بر اساس اصل لاضرر باید از انجام چنین مبادلاتی پرهیز شود. البته نمی‌توان در این شرایط بر اساس احکام اولیه اصل معاملات را باطل دانست (و نهی وارد در حدیث لاضرر را ناظر به حرمت وضعی دانست)، ولی می‌توان این نهی را ناظر به حرمت تکلیفی دانست و گفت در شرایط عادی انجام چنین معاملاتی که نوعاً موجب بروز زیان و ضرر معتابه می‌شود، حرمت تکلیفی دارد. البته حاکم شرع می‌تواند در شرایط اضطرار بر اساس احکام ثانویه چنین معاملاتی را باطل نماید.

بازار ارز

بازار ارز بازاری است که در آن پول ملی یک کشور با سایر پول‌ها مبادله می‌شود. بر اساس عرضه و تقاضای ارز که خود تابع عوامل دیگری است، نرخ ارز شکل می‌گیرد. نرخ ارز متغیر بسیار مهمی در تنظیم اقتصاد است و تعیین نادرست آن می‌تواند زیان‌هایی را برای اقتصاد به بار آورد. در ضمن نوسانات نرخ ارز نیز موجب بروز ریسک‌هایی برای سرمایه‌گذاران خارجی، واردکنندگان و صادرکنندگان می‌شود که این عوامل موجب برهم‌خوردن ثبات اقتصادی کشور خواهد شد. از این رو، معمولاً دولت‌ها برای تعیین نرخ ارز و ثبات آن اهمیت خاصی قائل می‌شوند و برای ثبات اقتصاد تا حد ممکن جلو نوسانات آن را می‌گیرند.

عرضه و تقاضای ارز تابع چه عواملی است؟

ارز نیز مانند سهام مطلوبیت ذاتی ندارد و تقاضای آن تابع عوامل دیگری است که در این قسمت به آن عوامل اشاره می‌نماییم:

صادرکنندگان و واردکنندگان

اولین عامل تعیین‌کننده میزان تقاضا برای ارز، میزان صادرات و واردات کشور است. صادرکنندگان عرضه‌کننده ارز هستند و واردکنندگان تقاضاکننده ارزند. میزان صادرات و

واردات کلی کشور علاوه بر قوانین تجاری، به قیمت‌های نسبی دو کشور و نرخ ارز آن وابسته است.

سرمایه‌گذاران

سرمایه‌گذاران خارجی که می‌خواهند در داخل کشور سرمایه‌گذاری کنند، در ابتدای دوره سرمایه‌گذاری خود عرضه‌کننده ارز و در پایان دوره سرمایه‌گذاری تقاضاکننده ارز می‌باشند و سرمایه‌گذاران داخلی که می‌خواهند در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کنند، در ابتدای سرمایه‌گذاری تقاضاکننده ارز و در پایان دوره سرمایه‌گذاری تقاضاکننده ارزند. میزان دقیق سرمایه‌گذاری علاوه بر قوانین سرمایه‌گذاری، به نرخ بازدهی سرمایه در دو کشور و نرخ ارز و احتمال نوسانات آینده نرخ ارز وابسته است.

مسافران

مسافران داخلی که خواهان سفر به خارج از کشور هستند، تقاضاکننده ارز و مسافران خارجی که قصد ورود به کشور را دارند، عرضه‌کننده ارز هستند.

صرافان و واسطه‌گران ارز و بورس‌بازان

غیر از افرادی که تقاضاکننده و عرضه‌کننده واقعی ارز هستند، صرافان و واسطه‌گران بازار ارز نیز که موجب تسهیل در مبادلات ارزی می‌شوند، سهمی در عرضه و تقاضای این بازار دارند. صرافان پول داخلی را به گردشگرهای خارجی و سرمایه‌گذاران خارجی و صادرکنندگان (پس از صادرات کالاها و خدمات) در مقابل ارز می‌فروشند و از آن طرف، ارز به‌دست‌آمده را در مقابل پول داخلی به صادرکنندگان، سرمایه‌گذاران داخلی که قصد سرمایه‌گذاری در خارج از کشور را دارند و واردکنندگان می‌فروشند. درآمد اصلی صرافان کارمزد تبدیل ارز است.

ممکن است در برخی از فصول سال عرضه ارز بیش از تقاضا بشود و در برخی از فصول تقاضا بیش از عرضه شود. بورس‌بازان در هنگام وفور ارز آن را می‌خرند و در هنگام کمبود ارز آن را می‌فروشند و موجب حفظ نرخ ارز در سطحی متعادل می‌شوند. حال اگر بورس‌بازان بدون توجه به سطح طبیعی عرضه و تقاضای ارز و نرخ بلندمدت

ارز، صرفاً بر اساس روند آینده نرخ ارز به انجام بورس‌بازی بپردازند، نوسانات نرخ ارز را تشدید می‌کنند و به اقتصاد ضربه وارد می‌آورند.

بررسی آثار بورس‌بازی در بازار ارز

همان‌گونه که عرض شد، با توجه به میزان عرضه و تقاضای کلی ارز، نرخ برای ارز شکل می‌گیرد که این نرخ یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی است. کاهش نرخ ارز موجب تشویق واردات و کاهش صادرات و تشویق سرمایه‌گذاران داخلی به سرمایه‌گذاری در خارج از کشور شده و افزایش آن موجب تشویق صادرات و کاهش واردات و تشویق سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در کشور می‌گردد. البته نوسان نرخ ارز یکی از عوامل مهم به‌وجودآورنده ریسک نظام‌مند است و امنیت اقتصاد را بر هم می‌ریزد. بالا و پایین رفتن مداوم نرخ ارز، معادلات تولیدکنندگان را به هم می‌ریزد و طرح‌های تولیدی را در معرض خطر قرار می‌دهد. اهمیت ثبات نرخ ارز به‌حدی است که بانک‌های مرکزی همواره در صدد تثبیت، تنظیم و کنترل این نرخ هستند و با صرف مخارج کلان، تا حد ممکن نوسانات نرخ ارز را مهار می‌نمایند.

همان‌گونه که اشاره شد، عوامل نوسان بلندمدت نرخ ارز تابع عرضه و تقاضای پایدار صادرکنندگان و واردکنندگان، سرمایه‌گذاران و مسافران است که این عوامل نیز تابع قیمت‌های نسبی در دو کشور و نرخ بازدهی سرمایه در آن‌ها و میزان مسافرت‌هاست. این متغیرها در بلندمدت نسبتاً باثبات هستند، ولی ممکن است در کوتاه‌مدت و متناسب با فصول مختلف، نوسان نمایند. بورس‌بازان بازار ارز که در هنگام وفور ارز آن را می‌خرند و از افت نرخ ارز جلوگیری می‌نمایند و در هنگام کمبود، آن را عرضه می‌کنند و از افزایش نرخ ارز جلوگیری می‌نمایند، می‌توانند از شدت نوسانات کوتاه‌مدت ارز بکاهند و خدمتی بزرگ به اقتصاد ارائه دهند.

بورس‌بازانی که به نرخ بلندمدت ارز و فراوانی یا کمبود مقطعی آن در بازار توجهی ندارند، با پول‌های کلان وارد این بازار می‌شوند و هنگامی که احساس می‌کنند نرخ ارز روبه‌افزایش است، ارز می‌خرند و تقاضای آن را افزایش می‌دهند و در نتیجه، روند فزاینده نرخ ارز را تشدید می‌نمایند و هنگامی که احساس می‌کنند نرخ ارز در حال کاهش است، آن را عرضه می‌کنند و کاهش نرخ ارز را تشدید می‌نمایند.

در هنگامی که نرخ ارز پایین‌تر از نرخ بلندمدت آن قرار می‌گیرد، خرید ارز توسط بورس‌بازان اقدامی مفید، و فروش ارز اقدامی مضر است، ولی هنگامی که نرخ ارز بالاتر از نرخ بلندمدت ارز قرار می‌گیرد، خرید ارز توسط بورس‌بازان اقدامی مضر و مخرب، و فروش ارز اقدامی مفید خواهد بود؛ بنابراین، بورس‌بازانی که در هنگام کمبود ارز و بیشتر شدن نرخ روز بازار از نرخ بلندمدت با این امید که نرخ ارز از آنچه امروز است نیز بالاتر می‌رود، ارز می‌خرند یا در هنگام فزونی ارز و کمتر شدن نرخ روز بازار از نرخ بلندمدت با این تلقی که نرخ ارز در آینده کمتر از امروز خواهد شد، ارز می‌فروشند و باعث تشدید نوسانات بازار ارز و ایجاد ضرر در اقتصاد می‌شوند.

با توجه به اهمیت نرخ ارز و نقش تعیین‌کننده آن در اقتصاد، زیان‌های تشدید در نوسانات نرخ ارز بسیار بیشتر از زیان‌های تشدید در نوسان قیمت سایر کالاهاست. تغییرات نرخ ارز به سبب تأثیراتی که در واردات و صادرات، و ورود و خروج سرمایه‌ها و امنیت اقتصادی خواهد داشت، موجب برهم‌خوردن نظم و تعادل عمومی اقتصاد خواهد شد.

در این شرایط، حتی اگر نتوان بر اساس حدیث لاضرر این معاملات مضر را باطل دانست (و نهی وارد در این حدیث را ناظر بر حرمت وضعی دانست)، ولی می‌توان در شرایطی این نهی را ناظر بر حرمت تکلیفی دانست و در شرایط عادی انجام چنین معاملاتی را که نوعاً موجب بروز زیان و ضرر معتنابه می‌شود، حرام دانست. البته حاکم شرع می‌تواند در شرایط اضطرار چنین معاملاتی را باطل نماید.

خلاصه و نتیجه‌گیری

بر اساس نظر برخی فقها، بورس‌بازی در صورتی که با تبانی، انتشار اطلاعات غلط و فریب بازار و احتکار همراه باشد، حرام است. در سایر موارد نیز بورس‌بازی باید بر اساس قیمت عادلانه باشد و موجب ایراد ضرر به افراد یا کلان اقتصاد نشود.

۲- بورس‌بازانی که صرفاً به دنبال کسب سود ناشی از نوسانات قیمت هستند و به ارزش حقیقی کالاها توجهی ندارند و در پی ارائه خدمتی به جامعه نیستند، می‌توانند زیان‌های عظیمی را بر اقتصاد وارد آورند که بر اساس «قاعده لاضرر» انجام چنین معاملاتی حرمت تکلیفی دارد و افراد مسلمان باید از این معاملات خودداری نمایند و

سیاست‌گذاران نیز باید جلو چنین معاملاتی را بگیرند. در صورتی که مصالح امت اسلامی ایجاب کند، بر اساس قوانین ثانویه حاکم اسلامی می‌تواند چنین معاملاتی را باطل نماید.

یادداشت‌ها

1. speculation

۲. نویسنده کتاب یوسف کمال محمد (۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م، صص ۲۷۲-۲۸۵) است.
۳. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنِ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ «عليه السلام»، قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَقَبَّلُ الْأَرْضَ مِنَ الدَّهَاقِينَ فَيُؤَاجِرُهَا بِأَكْثَرِ مِمَّا يَتَقَبَّلُ بِهَا وَيَقُومُ فِيهَا بِحِطِّ السُّلْطَانِ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ إِنَّ الْأَرْضَ لَيْسَتْ مِثْلَ الْأَجِيرِ وَلَا مِثْلَ الْبَيْتِ إِنَّ فَضْلَ الْأَجِيرِ وَ الْبَيْتِ حَرَامٌ.
۴. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) التَّاجِرُ فَاجِرٌ وَالْفَاجِرُ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَأَعْطَى الْحَقَّ.
۵. لا ضرر ولا ضرار في الاسلام.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین خراسانی (۱۳۷۸)، کفایة الاصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسین (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی (۱۳۷۵ق)، الاستبصار، نجف: مطبعة النجف.
- صالح آبادی، علی (۱۳۸۲)، «بازارهای مالی اسلامی»، مجموعه مقالات. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- صدر، محمد باقر (۱۳۷۵)، اقتصادنا، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۱)، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، تهران: نشر آسیم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: صدرا.
- معصومی‌نیا، غلامعلی (۱۳۸۷)، ابزارهای مشتقه؛ «بررسی فقهی و اقتصادی»، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۲)، «بورس بازی از دیدگاه فقه»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۹.

نظری علوم، میثم (۱۳۸۸)، «تأثیر بورس بازی بر معاملات بازار بورس در فقه امامیه و حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق(ع).

یوسف کمال محمد (۱۴۱۴ق)، فقه الاقتصاد النقدي، دار الصادر فی دار الهدایة، ۱۹۹۳م.

<http://financial-dictionary.thefreedictionary.com/speculation>

Copyright©2004, Campbell R. Harvey.

Livormor, John (2003), *Challang of speculation*, New York: Institute of Finance.

Real Estate Dictionary.

Wall Street Words: "An A to Z Guide to Investment Terms for Today's Investor by David L. Scott". Copyright © 2003 by Houghton Mifflin Company. Published by Houghton Mifflin Company.